خبر

اندوهی که فریدون مشیری به دوش می‌کشید

بخش فرهنگی – فریدون مشیری که به‌قولی با شعر «کوچه» در بین جوانان به شهرت رسید، از شاعران بعد از کودتای ۲۸ مرداد بود اما به‌گفتهٔ پرویز خانفی، اندوه این شکست را تا واپسین دم حیات بدوش می‌کشید. به گزارش ایسنا، روز، سی شهریورماه، نودوششمین زادروز فریدون مشیری بود. ملک‌الشعرای بهار، شاعر و ادیب فقید، می‌گفت که «فریدون مشیری با شعر «کوچه» در بین جوانان ایران به شهرتی جاودانه دست یافت». (بهار، محمدتقی، فردوسی، تیر ۱۳۸۸، شماره ۷۸)

این درحالی است که پرویز خانفی، شاعر و حافظ‌پژوه فقید، شعر مشیری را مانا دانسته و دربارهٔ ویژگی‌های شعر او توضیح داده است: «مشیری از شعر کلاسیک و غزل و حتی بهاریه مانند شروع کرده بود، اما خیلی زود به شعر توللی پیوست و زود هم از وزن‌های معمول پا به عرصهٔ وزن نیمایی گذاشت. اما هرگز اصالت رمانتیک و تغزلی شعر خود را قربانی جنجال و هیاهوی موج نو نکرد. با کار کسی مخالف نبود، تندترین شیوه‌ها را هم می‌خواند، اما شعرهایی را در دفتر شخصی خود یادداشت می‌کرد که به دلش نشسته بود، همان یادداشت‌ها امروز مجموعه‌ای دوجلدی است به نام «شکفتن‌ها و رستن‌ها» که از بعد از مشروطه تا همین اواخر است. در زمان شاه شعر «ترسم ز فرط شعبده چندان خرت کنند/ تا داستان عشق وطن را باورت کنند» را به خط توللی برای او فرستادم و ناگهان در همه ایران اشاعه یافت تا آنجا که بعضی‌ها برای خودم نقل می‌کردند! این شعر امروز در همان کتاب گزیده‌های انتخابی اوست.» (خانفی، پرویز، عصارهٔ خاطرات چهل سال آشنایی با شادروان فریدون مشیری، گزارش آذر ۱۳۷۹، شماره ۱۱۸)

او باور داشت مشیری علی‌رغم اینکه گاهی از تغزل و عشق و دلبستگی به زندگی، گریزی هم به شعرهای اجتماعی زده است اما همیشه کارش در حد شعار سیاسی متجلی شده است و می‌گفت: «در قطعاتی که از خرد انسانی و نفس زندگی و آرایه‌های طبیعت صادقانه سخن گفته است، شاعری است که از مسیر تغزل به مردم پیوسته است. بارها دراین‌باره بحث داشتیم که توصیف ارزش‌های زندگی به صورت غیرمستقیم نوعی شعر مردمی است که جذب مردم به هنر، کار شعر سیاسی را می‌کند. وقتی مردم کوچه و بازار شعر تو را می‌برند و می‌خوانند و بالاترین شمارگان کتاب شعر را داری، همدردی با طبقات مختلف انسان‌هاست و وقتی شعر شاعر جنبه انسانی پیدا کرد سیاست در قالب اصیل وارد شعر شده است و لزومی ندارد از ایدئولوژی خاصی حمایت کنی.» (همان)

خانفی در «عصاره خاطرات چهل سال آشنایی» با این شاعر گفته است که «او هم از شاعران بعد از ۲۸ مرداد بود و اندوه این شکست را تا واپسین دم حیات بدوش می‌کشید ولی به حزب و گروه ویژه‌ای وابسته نبود. رابطهٔ تفکر انسانی و اصالت فکری و زندگی جدا از حیله و نیرنگ با شعر او پیوند عمیق ایجاد کرده بود که در همهٔ توصیف‌ها و تعبیرهای شعری او هویدا بود. زبان شعر نیمائی در شعر مشیری هموار و پالایش شده بود، شاید در تعمق شعری به اعماق نمی‌رفت ولی عمق شعر را می‌شناخت و تهی از اندیشه و تفکر نبود.»

به‌گفتهٔ این شاعر فقید، فریدون مشیری از مغلق‌گویی و پیچیده گفتن خوشش نمی‌آمد.

خانفی باور داشت که مشیری ساده و صریح و شفاف حرفش را می‌زد و می‌گفت: «شعر مشیری، شعر بالنده تغزل در کنار مشخصه‌های شعر سیاسی و اجتماعی معاصر است. خودش می‌گفت فلسفه و جهان‌بینی در شعر من از نگاه به گل و کل آفرینش در چهارچوب زیبائی شکل می‌گیرد. گاهی برای جنگ ویتنام و لومومباو اختلاف نژادی و نظایر اینها شعر می‌گفت، اما تنها بیان احساسی و انزجار بود، مرگ بر بدی و زنده باد خوبی بود، کنکاش ماهوی نبود، تعمق و تفکر سیاسی در حد شناخت جراحت‌ها و زخم‌ها و عوامل زاینده آنها بود. رنج می‌برد و رنجش را در معیار بیان تألم ادا می‌کرد. زود رنج و پایدار در دوستی بود و مدافع واقعیت.» (همان) او شعر مشیری را مانا دانسته بود و دربارهٔ واپسین روزهای زیست دوست دیرین خود گفته بود: «اواخر خیلی خسته و فرسوده بود اما تا آخرین روزها و لحظه‌ها از مرگ و رفتن سخن نمی‌گفت.»

«تشنه طوفان»، «گناه دریا»، «نایافته»، «ابر و کوچه»، «بهار را باور کن»، «پرواز با خورشید»، «از خاموشی»، «مروارید مهر»، «آه باران»، «لحظه‌ها و احساس» و... برخی از آثار فریدون مشیری هستند که در سیزدهم آبان‌ماه ۱۳۷۹ از دنیا رفت.

«زنگ تفریح» در جشنواره اتریش و ایتالیا

بخش فرهنگی – «زنگ تفریح» ساخته نوید نیکخواه آزاد به بخش رسمی جشنواره ملل در اتریش و «سدیسیکورتو» در ایتالیا راه یافت. به نقل از روابط عمومی پروژه، «زنگ تفریح» ساخته تحسین‌شده نوید نیکخواه آزاد در ۱۳۰مین حضور جهانی به بخش رسمی مسابقه پنجاهمین دوره جشنواره ملل اتریش (FESTIVAL OF NATIONS) و نوزدهمین جشنواره بین‌المللی «سدیسیکورتو» ایتالیا (SEDICICORTO INTERNATIONAL FILM FESTIVAL) راه یافت.

«زنگ تفریح» تاکنون به چند جشنواره مورد تایید فیاپف، آکادمی اسکار و جوایز گویا اسپانیا راه یافته است.

این فیلم کوتاه ایرانی به نویسندگی و کارگردانی نوید نیکخواه آزاد و به تهیه‌کنندگی مشترک نوید نیکخواه آزاد، دلیا گیه‌را پارا (تهیه کننده اسپانیایی) و محمد شاهوردی ساخته شده و محصول مشترک ایران و اسپانیا است.

در گفت‌وگو با عوامل فیلم سینمایی «کوزوو»

هاشمی‌طبا: از رانت عمویم استفاده نکردم

مهسا بهادری

میثم هاشمی‌طبا، کارگردان فیلم سینمایی «کوزوو» باور دارد از رانت عمویش استفاده نکرده است. این روزها فیلم‌های کمدی کمی روی پرده سینما می‌رود. یکی از این فیلم‌ها «کوزوو» به کارگردانی میثم هاشمی‌طبا است که در یک ماه فروش یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومانی را تجربه کرد. هرچند که حواشی زیادی پشت نام میثم هاشمی‌طبا است.

برای اینکه ببینیم «کوزوو» از کجا متولد شده و چه چیزهایی را پشت سر گذاشته، از میثم هاشمی‌طبا به عنوان کارگردان و کوروش تهامی و هومن شاهی به عنوان بازیگر دعوت کردیم در کافه خبرآنلاین حضور پیدا کنند تا هم درباره «کوزوو» صحبت کنند، هم به حواشی مطرح شده پاسخ دهند.

متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

◆ ایده «کوزوو» از کجا کلید خورد؟

هاشمی‌طبا: ابتدا یک فیلم‌نامه به نام «الماس خونین» نوشتم و برای کوروش تهامی فرستادم، داستان تقریبا همین داستان «کوزوو» بود ولی نام و جزئیاتش فرق می‌کرد البته آن هم محتوای کمدی داشت. من قصه را دوست دارم و می‌خواستم فیلمی که می‌سازم قصه داشته باشد. خواستیم کار را بسازیم که شرایط جور نشد. بعد فیلم‌نامه دیگری نوشتم به نام «خواب شیرین فرهاد» که بر اساس رمانی به همین نام که خودم نوشته بودم نوشته شد. تصمیم گرفتیم آن فیلم‌نامه را با آقای محمدعلی نجفی کار کنیم. پروانه ساخت را هم گرفتیم اما ترجیح دادیم که به صورت سریال در شبکه نمایش خانگی پخش شود، بنابراین شروع کردیم به بازنویسی متن که هنوز هم ادامه دارد. مجدد فیلم‌نامه دیگری را خواستم کار کنم به عنوان «آرام‌سرد»، خواستیم تئاتری را بسازیم به عنوان «گذرگاه بهشت» که بخاطر کرونا باز هم به در بسته خوردیم. نهایتا برگشتم به «الماس خونین» فیلم‌نامه اش را بازنوسی کردم و تبدیل شد به «کوزوو» چون محوریت قصه یک الماس است، بنابراین من باید به آن الماس شناسنامه می‌دادم. برای همین تصمیم گرفتیم کشوری را انتخاب کنیم که خیلی آزاد باشد و شناخته شده نباشد و کوزوو به ذهنمان آمد. چون باید بامزه هم می‌بود. اسم‌های قلمبه سلمبه جذابیت ندارند.

◆ فکر می‌کنم با توجه به روندی که در دهه ۹۰ داشتید خیلی در مسئله ساخت فیلم و سریال خوش شانس نبودید، درسته؟

هاشمی‌طبا: آدم‌های ضعیف در مورد خودشان کلمه شانس را به کار می‌برند.

*پس در واقع شما نتوانستید یا نخواستید به این راحتی‌ها از رانت استفاده کنید؟

هاشمی‌طبا: یک زمانی شرایط استفاده از رانت وجود دارد یک زمان هم نه. مثل ضرب المثلی که می‌گوید بعضی‌ها از بی‌عرضگی آدم خوبی هستند. شاید شرایطی مهیا بوده که خیلی راحت استفاده کنم و کسی هم متوجه نشود، اما من در تمام مدت عمرم همه تلاشم را کردم سمت این مسائل نروم و فرصتی را خلق کنم تا بتوانم از آن استفاده کنم. پدر من فارغ التحصیل دانشگاه تهران است و بیش از ۳۵ سال در دبیرستان البرز تدریس کردند. من در یک خانواده خیلی فرهنگی بزرگ شدم و از رانت عمویم استفاده نکردم.

◆ یعنی هیچگاه درگیر مسائل سیاسی نشدید درست است؟

هاشمی‌طبا: من تنها رانتی که استفاده کردم مربوط به کودکی‌ام است. به پدرم گفتم از عمویم برایم کارت استخر بگیرد. سه ماه تابستان به آنجا می‌رفتم و بعدا متوجه شدم پدرم هزینه کرده و کارت را خریده است. فرصت‌های زیادی در زندگی همه ما وجود دارد اما آدم باید مواظب باشد فرصت‌های درست را نسوزاند. من می‌توانستم همان چهار سال پیش «الماس خونین» را بسازم ولی کار خراب می‌شد.

◆ چرا خراب می‌شد؟

هاشمی‌طبا: گاهی باید صبر کنیم موقعیت مناسبی ایجاد شود، بازیگر خوب، پختگی کار و همه این موارد باید ابتدا به دست آمده باشد. ما در این مجموعه چه جلوی دوربین و چه پشت دوربین تلاش کردیم کار به بهترین نحو انجام شود، شاید اگر چهار سال قبل بود خیلی سرسری و ابتدایی از آب در می‌آمد.

◆ آقای تهامی، با توجه به این که خیلی از کارگردان های بزرگ فرزند یک فرد سیاسی هستند، این نگرانی هست که بازیگران نگاه خوبی نداشته باشند، برای شما چه طور بود؟ این را حس کردید؟

شاهی: اولین چیزی که با آن روبه رو می‌شویم، شخصیت فرد است و دومین چیز فیلم نامه است. آدم وقتی می‌بیند که این‌ها درست هستند دیگر نگرانی ندارد. چرا همچین حرفی را می‌زنید؟

◆ در سریال «شهرزاد» هم کارگردان و هم فیلم‌نامه خوب و سرشناس بود اما آن حواشی را داشت.

شاهی: من هر کسی را سر جای خودش می‌گذارم و در جای خودش قضاوت می‌کنم.

تهامی: من سوال شما را متوجه شدم، چیزی که وجود دارد این است که ما یک تله فیلم قبلا با هم کار کرده بودیم. با توجه به شناختی که از ایشان و کار داشتم، به ایشان نگاه متفاوتی داشتم. شاید اگر هر از گاهی در یک نشریه یا خبری کسی شوخی‌ای با ایشان نمی‌کرد اصلا یاد من نبود که ایشان نسبتی با مقام مسئول دارند. چنین چیزی وجود ندارد و نمی‌شود این اتکا را کرد.

◆ از فیلم‌نامه کار بگویید، چگونه به آن رسیدید؟

هاشمی‌طبا: یکی از سخت‌ترین ژانرها در فیلم‌سازی ژانر کمدی است. هر اقلیمی و هر کشوری برای طنز تعریف خود را دارد. طنز ایران هم روند متفاوتی را داشته است. شاید از نظر من بهترین فیلم سینمایی کمدی تاریخ «اجاره نشین ها» باشد. موقع نوشتن چند مسیر داشتم و اولین و آسان‌ترینش این بود که الگوی خود را فیلم‌های پرفروش که از شوخی‌های ساده استفاده می‌کنند قرار دهم. شوخی‌هایی که تاریخ محدود دارند و بعدا مزه ای ندارد. یک دوره‌ای محوریت شوخی‌ها مترجم تیم ملی بود ولی حالا معنی ندارد.

هدف من چیز دیگری بود و می‌خواستم به عنوان اولین تجربه سینمایی، فیلم شریف و محترمی بسازم که داستان دارد و بازیگران در خدمت باشند و با هم قصه را پیش ببرند.

◆ نکته‌ای که در سینمای امروز به چشم می‌آید این است که حد کمدی کجاست؟ مرز سخیف شدن کار کجاست؟

هاشمی‌طبا: یک حدیثی هست که می‌گوید، آن‌چه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نپسند. وقتی یک فیلم ساز فیلمی را می‌سازد باید با خودش خلوت کند و بگوید آیا وجدان من اجازه می‌دهد خانواده‌ام این فیلم را ببینند؟

اینکه ما به هر قیمتی بخواهیم بیننده را بخندانیم، چه ثمره ای دارد؟ من یادم هست که با آقای محمد علی نجفی یک فیلمی را دیدیم که بعد از فیلم همه مات و مبهوت فیلم بودند. آقای نجفی گفتند می‌توانی فیلم را تعریف کنی، هر چه قدر فکر کردم نتوانستم. گفتند پس فیلمی خوب است که پیام داشته باشد.

◆ پیام «کوزوو» چه بود؟

هاشمی‌طبا: ما در«کوزوو» تحول یک انسان را نشان می‌دهیم. خیلی از مشکلات ما از حرف نزدن و دروغ گفتن است. گره‌ای که برای شخصیت اصلی پیش می‌آید از حرف نزدن و پنهان کاری‌اش است و این او را به جایی می‌رساند که به بن بست می‌رسد و همه چیز سخت می‌شود. پیام فیلم ما این است که حرف بزنید، با حرف زدن مشکلات را حل کنید، دروغ نگویید و اگر به مشکلی خوردید همان جا آن را حل کنید.

◆ بعضی از فیلم‌ها مخصوصا کمدی‌ها به قدری مبتذل است که نمی‌توان آن را با خانواده دید، آقای تهامی در دیدگاه شما مرز این ابتذال و کمدی کجاست؟

کوروش تهامی: شاید اولین چیزی که موضوع و شیوه ساخت فیلم‌نامه‌ها را به این سمت برده، از نظر من محدودیت‌های بیش از اندازه سینما باشد. به این دلیل که اولا وقتی که یک بخش زیادی از مشاغل مختلف در یک کشوری را قابلیت شوخی ندارند، یا اگر شوخی کنی همه آن‌ها ناراضی می‌شوند و بیانیه می‌دهند و تظاهرات می‌کنند، این باعث می‌شود موضوعاتی که شما توان پردازش به آن‌ها را داری، محدود می‌شود. همین سبب شده فیلم‌سازها از یک سری مسائل به قدری استفاده کنند که دیگر چیزی برای بهره‌وری نماند و نکته بعدی اینکه دیگر آن خلاقیت وجود ندارد. شاید بعضی‌ها اصلا دوست ندارند سمت خلاقیت بروند.

ما در کشورمان خیلی ایده کمی داریم و ایده‌پردازی انجام نمی‌شود. در دنیا ایده فروشی یک شغل است. ما در کشورمان این چیز هارا نداریم و این موضوع همه چیز را دم دستی کرده است.

به طور مثال آقای فتحعلی اویسی، سرشار از استعداد کمدی بودند، سال‌ها این استعداد کشف نشده بود علی‌رغم این‌که دوستانشان هم این موضوع را می‌دانستند. ایشان همیشه در نقش‌های منفی و جدی بودند، خب چرا کسی که این همه پتانسیل دارد دیر دیده می‌شود؟ بعد از کشف هم انقدر در یک مدل ایشان را تکرار کردند که کارشان از دست رفت. متاسفانه این ویژگی کار نمایش است، آن‌قدر یک چیز تکراری را از یک آدم می‌خواهند که بازیگر را در یک ورطه سخت که هیچ چیز خاصی برای ارائه ندارد می‌اندازد. این ماجرا هاست که آدم‌ها را در این فضا می‌اندازد. من هم خودم را از این قاعده مستثنی نمی‌دانم. چهره من به نقش‌های مثبت می‌خورد و من تلاش کردم با انتخاب فیلم «رگ خواب» خودم را از این ماجرا دورتر کنم. خیلی برای من ساده بود که در یک نقش بمانم اما مدام دوست داشتم چیزهای جدید را تجربه کنم. برای این که بازیگری دغدغه من است و برای پول و شهرتش آن را انتخاب نکردم.

◆ ساخت این قبیل فیلم‌ها برای سینمای ما می‌افتد، به مسائل مالی و گیشه مربوط است؟

شاهی: این فیلم‌هایی که بعد از کرونا آمدند قصدشان تکان دادن سینما بود و اتفاق بدی هم نبود، ولی این که هنوز این سخیف‌سازی ادامه دارد، می‌تواند یک دوره ای داشته باشد. مردم در یک بازه‌ای از زمان بلیت می‌خرند اما تب و تاب‌اش می‌خوابد. مثل همه چیزها و هنرها. حتی در موسیقی هم همین است. یک زمانی موسیقی شش و هشت در رپ از نظر مخاطب خوب نبود، اما الان مردم این طور فکر نمی‌کنند و می‌گویند هر دو باید باشد. در مورد فیلم‌ها هم همین است و بعدا اوضاع تغییر می‌کند.

تهامی: قطعا مسئله گیشه خیلی تاثیرگذار است. ما خیلی از فیلم‌ها را دیدیم که با کلی بازیگر خوب و سر و صدا آمدند اما نتیجه نگرفتند. خنداندن مردم بسیار سخت است و اتفاقا از ضعف یک پروژه هست که با چنگ انداختن به هر چیزی بخواهد مخاطب را بخنداند. شاید دو سه تا مخاطب عام لذت ببرند اما یک انسان فهمیده متوجه می‌شود. یک شاخصه اثر خوب هنری این است که شما بخواهی چند بار آن را تکرار کنی و ببینی. فیلم «اجازه نشین ها» می‌تواند الگو باشد. خود من که انسان سخت‌گیری هستم این فیلم را دفعات دیدم و لذت بردم. این آثاری که الان ساخته می‌شود که بعضی هاشان خرج و زمان زیادی دارد، برا بار اول هم قابل تماشای کامل نیست. این همیشه بوده است. ما یک تبعیض‌هایی را در سینما دیدیم که اجازه نمی‌دهند همین اثر سخیف را کسی دیگر بسازد. خیلی از شوخی های مجازی خیلی از این ها بهتر است.

◆ درست است که خنداندن لازم است اما به چه قیمتی؟

تهامی: از یک لحاظ هم مربوط به مردم است. من که تا به حال در این آثار بازی نکردم ولی مردم چرا نگاه می‌کنند؟ به نظر من یکی از افتخارات «کوزوو» این است که به این راه‌ها کشیده نشده است. میثم هاشمی‌طبا می‌توانست برای اولین کار چندتا از این چاشنی‌های سخیف را استفاده کند ولی این کار را نکرد و همین موضوع به نوبه خودش یک ریسک بزرگ بود.

شاهی: نکته این است که همین شوخی‌هارا رفیق شما می‌کند تازه خیلی هم بهتر، خب چرا بخواهی در سینما هم ببینی؟ قطعا مخاطب این کار را نمی‌کند، اگر هم انجام می‌دهد، اشتباه است.

انتخاب «جنگ جهانی سوم» برای ارسال به اسکار، انتخاب درستی بود

«جنگ جهانی سوم» و «برادران لیلا»؛ حقی، ناحق شد؟

مهسا بهادری

روز گذشته فیلم «جنگ جهانی سوم» به اسکار معرفی شد و این انتخاب از میان چند فیلم بود، هرچند انتظار می‌رفت«برادران لیلا» هم یکی از گزینه‌های روی میز باشد؛ اما این اتفاق نیفتاد و به همین دلیل نگاهی به حواشی حول محور ساخته سعید روستایی می‌اندازیم.

ده سال، ده فیلم، دو اسکار برای بهترین فیلم و هر دو برای یک نفر، اصغر فرهادی، کارگردانی که «قهرمان»ش جایزه‌ای نگرفت.

«خورشید ۲۰۲۱»، «در جست و جوی فریده ۲۰۲۰»، «بدون تاریخ بدون امضا ۲۰۱۹»، «نفس ۲۰۱۸»، «فروشنده ۲۰۱۷»، «محمدرسول‌الله ۲۰۱۶»، «امروز ۲۰۱۵»، «گذشته ۲۰۱۴» و «جدایی نادر از سیمین ۲۰۱۲»، فیلم‌های ایرانی حاضر در مراسم اسکار بودند و از میان این فیلم‌ها، فقط «جدایی نادر از سیمین» و «فروشنده» بودند که جایزه اسکار را دریافت کردند.

نوبت به انتخاب اسکار امسال که رسید مثل هر سال، ایران جزو آخرین کشورهایی بود که فیلم خود را به اسکار معرفی کرد. علی سرتیپی تهیه کننده سینما درباره این موضوع گفت: «متاسفانه این چنین تصمیمات معمولا دیر اتخاذ می‌شود در واقع یکسری از اتفاقات در ایران، دیر تصمیم‌گیری می‌شود و این مورد هم یکی از آن‌هاست. چون گاهی اوقات انتخاب فیلم‌ها تابع یکسری از مسائل سیاسی می‌شود و تا فیلمی انتخاب شود، دیر می‌شود.» حالا انتخاب‌های اسکار امسال در بین سه فیلم پر سرو صدای «شب.داخلی.دیوار» به کارگردانی وحید جلیلوند، «جنگ جهانی سوم» به کارگردانی هومن سیدی و «برادران لیلا» به کارگردانی سعید روستایی بود. دو فیلم اول به جشنواره ونیز راه یافتند و «برادران لیلا» راهی کن شدند و از میان این فیلم‌ها «جنگ جهانی سوم» جوایز متعددی را به خود اختصاص داد و توانست راهی اسکار شود.

◆ پس «برادران لیلا» چه شد؟

کمی به عقب‌تر بازگردیم، سعید روستایی ۲۸ شهریور، یعنی تقریبا ۱۶ ساعت پیش از اعلام نام «جنگ جهانی سوم» به عنوان نماینده ایران در اسکار گله خود نسبت به غرض ورزی درباره «برادران لیلا» را مطرح کرد.

او درباره بی مهری که به فیلمش شده بود گفت: «فیلم «برادران لیلا» در میان فیلم‌های در حال بررسی در کمیته معرفی نماینده ایران به اسکار وجود ندارد در حالیکه قرار بود در سازمان سینمایی انعطاف به خرج داده شود تا فیلم برای گرفتن پروانه، به شورای پروانه نمایش ارجاع داده شود زیرا به هر حال ما با هماهنگی‌هایی فیلم را به جشنواره کن فرستاده بودیم اما جای سوال است چرا حالا که به زمان معرفی نماینده اسکار رسیده‌ایم، « برادران لیلا» با تمام امتیاز هایی که داشته از این رقابت کنار گذاشته شده است؟»

فیلمی که به نظر می‌رسید یکی از گزینه‌های روی میز باشد اما حتی برای بررسی روی میز هم قرار نگرفت و همین موضوع روستایی را تا جایی ناراحت کرد که در انتقاد به وضعیت، سوالی را مطرح کرد، او گفت: «این سوال برای ما مطرح است که چرا اجازه داده نشده که هیئت انتخاب کمیته اسکار، فیلم «برادران لیلا» را ببیند تا تصمیم‌گیری برای انتخاب نماینده سینمای ایران، پس از بررسی تمام فیلم‌ها اتفاق بیفتد؟»

البته حاشیه‌هایی که برای این فیلم در جشنواره کن اتفاق افتاد هم در بروز این ماجرا بی‌تاثیر نبود. با جمله پیمان معادی درباره اینکه «در ایران اگر یخچال خانه‌ات خراب شود، بعد از تعمیرش طبقه اجتماعی‌ات تغییر می‌کند» برچسب سیاسی بودن به «برادران لیلا» چسبید و بعد از بوسه نوید محمدزاده و همسرش، فرشته حسینی برچسب بی اخلاقی و ضدفرهنگ بودن روی پیشانی این فیلم خورد و همین دو مورد هم چیزی نبود که سازمان سینمایی به راحتی از آن چشم‌پوشی کند.

◆ «جنگ جهانی سوم» و «برادران لیلا»؛ حقی، ناحق شد؟

پس از تمام ماجراها و حواشی‌ای که برای فیلم «برادران لیلا» رخ داد اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، اداره نظارت بر عرضه و نمایش فیلم سازمان سینمایی با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «فیلم سینمایی «برادران لیلا» به کارگردانی سعید روستایی بدون طی کردن تشریفات و روند قانونی برای جشنواره فیلم کن ارسال شده بود. از آن جایی که این فیلم بدون اخذ پروانه نمایش و بی توجه به مقررات و برخلاف آئین نامه حضور آثار در محافل و جشنواره های بین المللی که طبق (ماده پنج آیین نامه نظارت بر نمایش فیلم ، اسلاید ، ویدیو و صدور پروانه نمایش آنها) و علیرغم تاکید مسئولین سازمان سینمایی مبنی بر ضرورت تبعیت از قوانین و مقررات، به جشنواره کن ارسال شده بود معاونت ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی با هدف مساعدت، تسهیل و تصحیح حضور و حل مشکل فیلم از تهیه کننده و کارگردان آن خواست تا طی جلساتی وضعیت و شرایط فیلم و فرایند آن را بررسی نمایند.

با همکاری تهیه کنندگان فیلم، برادران لیلا در سازمان سینمایی مورد بازبینی قرار گرفت و در راستای کمک به فیلم با ملحوظ داشتن اهمیت حضور بین المللی محصولی از سینمای ایران، تصمیم و توافق بر این شد تهیه کننده و کارگردان برای دریافت پروانه نمایش جهت ارائه نسخه نهایی در جشنواره کن ، موارد و اصلاحات لازم را که بخشی از آنها حتی در فیلمنامه مصوب شورای پروانه ساخت نیز وجود نداشته اعمال نمایند که این مهم حتی در یک مورد از موارد اعلامی محقق نشد.

برغم تاکید و تذکرات لازم برای رعایت قانون و با علم و آگاهی تهیه کننده و کارگردان نسبت به تبعات هرگونه تخلف ، متاسفانه فیلم مذکور بدون هیچگونه همکاری و انجام اصلاحاتی در جشنواره کن به نمایش در آمد.

چنانکه عوامل اصلی فیلم با اصرار و ابرام بر ادامه مسیر اشتباه نشان دادند که اکران فیلم در جشنواره کن را بر نمایش در سالن‌های سینما و مخاطبان داخلی ترجیح می‌دهند.

از این رو، فیلم برادران لیلا به تاسی از اصل قانون گرایی، استانداردسازی و عدالت محوری و به دلیل تخلفات آگاهانه و رفتار مغایر با قوانین و مقرراتی چون: شرکت در جشنواره های خارجی بدون عبور از مجرای قانونی و اخذ پروانه نمایش، سرپیچی از مقررات و اصرار بر ارائه نسخه اصلاح نشده برغم تعهدات صورت گرفته و استمرار بر تخلف و مداومت بر آن حتی بعد از جشنواره کن و شرکت در جشنواره مونیخ و در نهایت اعلام رسمی کارگردان محترم مبنی بر عدم پذیرش اصلاح فیلم ، این فیلم تا اطلاع ثانوی و تا رفع موانع ایجاد شده، صلاحیت اخذ پروانه نمایش را نخواهد داشت.»

با تمام این شرایط سعید روستایی قرار گرفتن «برادران لیلا» روی میز برای ارسال به اسکار را حق طبیعی خود می‌دانست و در نهایت هم این اتفاق رخ نداد و حواشی مانع از شرکت روستایی و عواملش در اسکار شد.علی سرتیپی، تهیه‌کننده سینما نیز معتقد است که هیچ غرض ورزی‌ای درباره انتخاب این فیلم نشده و به نظرم انتخاب «جنگ جهانی سوم » اتفاق درستی بود و به عنوان گزینه خوبی روی میز قرار گرفت.»

کمیته انتخاب نماینده سینمای ایران برای اسکار ۲۰۲۳، در فاصله ۱۲ روز تا پایان مهلت اعلام رسمی، فیلم هومن سیدی را که پیشتر موفق به افتخارآفرینی در بخش افق‌ها جشنواره ونیز شده بود، مناسب نمایندگی سینمای ایران در رقابت اسکار ۲۰۲۳ معرفی کرد.

این انتخاب سبب شد تا زمینه اکران فیلم فراهم شود چرا که طبق مقررات بخش فیلم‌های بین‌المللی اسکار، نمایندگان سینمایی کشورها باید در فاصله ۱۱ دی ۱۴۰۰ الی ۹ آذر ۱۴۰۱ در کشور مبدا، حداقل ۷ روز اکران تجاری و عمومی داشته باشند. بنابراین جنگ جهانی سوم می‌بایست در فاصله ۷۱ روز تا پایان این مهلت، حداقل یک هفته اکران عمومی و تجاری را تجربه کند.

طبق مقررات بخش فیلم‌های بین‌المللی اسکار، نمایندگان سینمایی کشورها باید در فاصله ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۰ الی ۹ آذر ۱۴۰۱ در کشور مبدا، حداقل ۷ روز اکران تجاری و عمومی داشته باشنددر همین زمینه، همایون اسعدیان، سخنگوی شورای صنفی نمایش به ایرنا گفت: «ما به پخش‌کننده جنگ جهانی سوم اعلام کرده‌ایم که شورای صنفی نمایش، آمادگی لازم برای هر نوع همکاری در جهت اکران این فیلم را دارد و به همین جهت، هم‌اکنون توپ در زمین این دوستان است که چه زمان آمادگی خود را برای اکران عمومی فیلم اعلام کنند.»

اسعدیان ادامه داد: «پخش‌کننده فیلم، چه درخواست اکران سراسری در تمام کشور را داشته باشد و چه پیشنهاد برای نمایش محدود در یک شهرستان را، ما آماده هستیم تا خارج از تمام قواعد معمول، فرآیند نمایش این فیلم را تسریع کنیم تا فیلم آقای هومن سیدی، با آمادگی بیشتری در اسکار ۲۰۲۳ حضور پیدا کند.»

در سال‌های اخیر، برخی فیلم‌ها نظیر خورشید مجید مجیدی، چون تمایل نداشتند در فصل پائیز نمایش داشته باشند، نمایش محدودی را در تنها در یک شهرستان (به طور مشخص، خورشید در تفرش به روی پرده رفت) تجربه کردند. بنابراین باید منتظر ماند تا مشخص شود طی روزهای آینده، پخش‌کننده داخلی فیلم جنگ جهانی سوم، راضی به نمایش عمومی این فیلم در سراسر کشور خواهد بود یا صلاح می‌بیند اکرانی ۷ روزه در یک شهرستان را تجربه کند.